



اظهارنامه

تشر

۶ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم

چهارشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۱ | شماره ۱۰۰۴

شما خوانندگان تپش می‌توانید پرسش‌های حقوقی خود را در شبکه‌های اجتماعی مطرح و پاسخ را در این ستون بخوانید.

؟ فرار از صحنه تصادف رانندگی چه مجازاتی در پی خواهد داشت؟

قانون‌گذار در ماده ۷۱۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی چنین بیان داشته است: هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی یا استمداد از مأموران انتظامی از این کار خودداری کند یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دوسوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه کند.

تبصره ۱: راننده در صورتی می‌تواند برای انجام تکالیف مذکور در این ماده وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد.

تبصره ۲: در همه موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند یا مأموران مربوطه را از واقعه آگاه‌کند یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند، دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد کرد.

در پایان باید گفت، هنگام وقوع چنین حوادثی چنانچه از نوع جرحی باشند، باید بلافاصله با اورژانس و پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و تا آنجا که می‌شود، از رساندن مصدوم با ماشین شخصی به بیمارستان خودداری کرد و این کار را به مأموران اورژانس سپرد.

؟ تهدید به پخش عکس و فیلم خصوصی و پخش آن چه مجازاتی دارد و چطور باید پیگیری کنیم؟

تهدید به انتشار عکس و فیلم خصوصی جرم بوده و قابل مجازات است. فلذا شما باید ابتدا با مراجعه به دفتر الکترونیک خدمات قضایی شکواییه مربوطه در این خصوص را تهیه و ثبت کنید. ضمناً عمل تهیه و انتشار عکس‌های مبتذل نیز خود جرم بوده و دارای مجازات است. چنانچه فرد مرتکب وجهی نیز دریافت کند، عمل مذکور نیز قابل مجازات خواهد بود. از همین روی قانون‌گذار در ماده ۷۴۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (سرفصل جرایم رایانه‌ای) بیان داشته، هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از چهل و پنج روز و دوازده ساعت تا یک سال یا جزای نقدی از پانزده میلیون ریال تا صد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. همچنین مطابق ماده ۷۴۵ از قانون مذکور، هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا صد و پنجاه میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

یک روایت واقعی

مرگ تلخ کولبر ۱۵ ساله در برف



«پاهایم خسته شده و دیگر نمی‌توانم راه بروم. تو برو.» این آخرین جمله‌های کوتاه هیوای ۱۵ ساله است که در آن شب زمستانی به زبان راند و بعد در آغوش سرد و یخ‌زده برف کوهستانی از دنیا رفت. درست مثل فرهاد و آزاد خسروی، دو برادر نوجوان اهل روستای نی‌میروان که دی ماه سال ۹۸ از فقر و ناداری سراغ کولبری رفتند، اما برف جان هر دو را گرفت و نه فقط مردم کردستان که کل ایران برای او گریه کردند. حالا مردم روستای آرمرده بانه هم عزادار هیوا هستند و می‌گویند این ماجرای تلخ باز هم تکرار می‌شود و کولبرها از روی ناچاری برای لقمه‌ای نان، جان می‌دهند.

کم‌کم به استخوان‌های هیوا نفوذ کرد و رمق‌اش را گرفت. هربار که دو سه قدم برمی‌داشت، دوباره می‌ایستاد تا نفسی تازه کند. بعد از چند بار راه رفتن و ایستادن، هیوا به شدت ضعف کرد. تا حدی که دیگر نتوانست وزنش را روی پاهای نحیفش تحمل کند و روی برف‌ها افتاد. هیوا به صاحب بار که کنارش بود گفت پاهایم درد می‌کند و نمی‌توانم راه بروم. صاحب بار هم در جواب گفت بارت را می‌برم و خودت بعداً بیای. صاحب بار رفت و هیوا ماند روی برف‌ها و هوایی که لحظه به لحظه سردتر می‌شد. عمومی هیوا می‌گوید او چند ماهی کولبری نکرده بود و برای همین آن شب پاهایش قفل کرد و گرفتار شد. ساعت دو نیمه شب پنجشنبه بود که جثه نحیف هیوا، تاب سرما و برف را نیاورد و چشمانش برای همیشه بسته شد. دو ساعت از افتادن او روی برف‌ها گذشته بود که چند نفر از کولبرهایی که از سمت مرز عراق رد می‌شدند، متوجه هیوا شدند که روی برف‌ها افتاده بود. یکی از آن‌ها جلو رفت و دستی به تن یخ‌زده هیوا کشید. او پسر نوجوان را صدا زد، اما جوابی نشنید.

لباس‌های هیوا را گشت و گوشی تلفن همراهش را پیدا کرد و با آن شماره‌ای گرفت. ساعت چهار صبح بود که گوشی پدر بزرگ هیوا زنگ خورد. تلفن که تمام شد، پدر بزرگ هیوا با عمومی او تماس گرفت و گفت خودش را سریع به کوه شاهو و هیوا برساند که در برف گرفتار شده است. عمومی هیوا به سرعت لباس گرم تنش کرد

و با آمبولانس هم تماس گرفت و خودش را به محل حادثه رساند. ساعت از پنج صبح گذشته بود که عمومی هیوا خودش را به کوهی رساند که هیوا در آن گرفتار شده بود. دو سه نفر از محلی‌ها، از کوه بالا رفتند و هیوا را کول کرده و پایین آوردند. داخل آمبولانس تکنسین‌های اورژانس به او شوک برقی دادند و نیم ساعت تا ۴۰ دقیقه سعی کردند او را احیا کنند، اما فایده‌ای نداشت. هیوا را به بیمارستان بردند تا شاید آن‌جا با امکانات بیشتر بتوانند او را به زندگی برگردانند، اما عمومی هیوا با سوز عجیبی می‌گوید هیوا یخ‌زده بود و دیگر جانی در بدن نداشت. او می‌گوید پدر هیوا خیلی مخالف کولبری بود و می‌گفت انجام ندهد، اما هیوا از سر بدبختی و فقر سراغ این کار رفت.

چند شبی است که رنگ غم به در و دیوار خانه هیوا پاشیده شده است. پدر و مادر هیوا باور ندارند پسر نوجوان‌شان را از دست داده‌اند و هنوز هم منتظرند از آستانه خانه وارد شود و آن‌ها را در آغوش بگیرد، اما بغض لرزان امید اختیارالدینی عمومی هیوا به ما می‌گوید، هیوای‌شان مثل آزاد و فرهاد دیگر بر نمی‌گردد.

از عمومی هیوا خواستیم تا بگوید در شب حادثه چه اتفاقی برای هیوا افتاد: «هیوا پسر بزرگ خانواده بود و به جز خودش دو برادر کوچکتر دو ساله و ۱۰ ساله هم داشت. پدر هیوا هم با این که کارگر ساختمانی است، اما تحت حمایت سازمان بهزیستی و کمیته امداد است. برادرم در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی می‌کند و وضع مالی‌اش خوب نیست. هیوا هم چون درسش خوب نبود و

از طرفی شاهد فقر و ناداری خانواده بود، تصمیم گرفت سراغ کولبری برود تا شاید شرایط زندگی‌شان کمی تکان بخورد. هیوا در فصول مختلف سال تجربه کولبری داشت، اما هیچوقت در زمستان سراغ کولبری نرفته بود. هفته گذشته بود که هیوا به اتفاق هفت، هشت نفر تصمیم گرفت برای آوردن بار پوشاک به مرز عراق برود. من مخالفت کردم، اما هیوا گوش نکرد. از گروهی که هیوا همراه آنان رفت، فقط یک نفر اهل روستای ما بود و بقیه بانه‌ای بودند. بار هیوا، پوشاک بود که با آن هیکل و جثه ریزش حمل می‌کرد. هر دفعه‌ای که هیوا با می‌آورد، کمتر از ۴۰ کیلوگرم نبود و بعد

از آوردن بار، آن را به چپله می‌برد و تحویل ماشین‌ها می‌داد تا راننده‌ها بارها را تحویل مغازه‌داران شهر بدهند. درآمد هیوا، از کولبری چیزی بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بود که این میزان درآمد، حتی به اندازه بخور و نمیر هم نبود. چهارشنبه شب هیوا با بار پوشاکی که روی دوش‌های نحیفش می‌کشید، از مرز عراق به سمت کردستان حرکت کرد. کوهستان بود و تا چشم کار می‌کرد، برف بود و برف. برای کولبرهایی که در شرایط زمستانی کوهستان هم کولبری کرده بودند، آوردن بار کار سختی نبود، اما عمیش می‌گوید این کار برای هیوا که اندام و جثه ضعیفی داشت، خیلی سخت بود. آن شب، صاحب بار پوشاک هم همراه هیوا در برف‌های کوهستان حرکت می‌کرد. سرمای کوهستانی،

بخور و نمیر

درآمد هیوا، از کولبری چیزی بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بود که این میزان درآمد، حتی به اندازه بخور و نمیر هم نبود

۷۰ درصد مردم کولبرند

به گفته عمومی هیوا، فقر و بیکاری و بی‌پولی باعث شده تا ۷۰ درصد مردم روستایشان کولبری باشد و هر سال حدود ۸۰ جوان کولبر به دلیل پرت شدن از کوه یا یخ زدن از سرما و حوادث دیگر جان خود را از دست بدهند: «وضع مالی مردم خوب نیست و بعضی از مردم با شال بافی روزگارشان را می‌گذرانند.

منطقه ما چون مرزی است، هیچ کارخانه و تولیدی وجود ندارد که مردم با آن درآمدی کسب کنند. من می‌گویم کل مرزها را مسئولان ببندند، اما فقط یک کارخانه بسازند تا جوان‌های مان مشغول کار شوند.»

بغض عمومی هیوا حالا تقریباً تبدیل به گریه شده است: «من به جز کارخانه هیچ چیز دیگری نمی‌خواهم. ما نانی را نمی‌خواهیم که به خاطر آن مجبور شویم جان مان را از دست بدهیم. هیچکس دوست ندارد جانش را در برف و یخبندان به خطر بیندازد، مگر از روی بدبختی و بیچارگی.»

احسان بهمنی
رئیس پلیس فتای هرمزگان